**( 19 )**

**بسمه المقتدر علی ما یشآء**

هذا کتاب من لدی المظلوم الی من تمسک بالعلوم لعله یحرق الحجاب الاکبر و یتوجه الی الله مالک القدر و یکون من المنصفین لو تسمع نغمات الورقآء التی تغن علی افنان سدرة البیان لتجذبک علی شأن تجد نفسک منقطعا عن العالمین انصف یا عبد هل الله هو الفاعل علی ما یشآء او ما سویه؟ تبین و لا تکن من الصامتین لو تقول ما سویه ما انصفت فی الامر یشهد بذلک کل الذرات و عن ورآئها ربک المتکلم الصادق الامین و لو تقول انه هو المختار قد اظهرنی بالحق و ارسلنی و انطقنی بالآیات التی فزع عنها من فی السموات و الارضین الا من اخذته نفحات الوحی من لدن ربک الغفور الرحیم هل یقوم مع امره امر و هل یقدر ان یمنعه احد عما اراد لا و نفسه لو کنت من العارفین فکر فی ملأ التوریة لم اعرضوا اذ اتی مطلع الآیات بسلطان مبین لو لا حفظ ربک لقتله العلمآء فی اول یوم نطق باسم ربه العزیز الکریم ثم ملأ الانجیل لم اعترضوا اذ اشرقت شمس الامر من افق الحجاز بانوار بها اضآئت افئدة العالمین کم من عالم منع عن المعلوم و کم من جاهل فاز باصل العلوم تفکر و کن من الموقنین قد آمن به راعی الاغنام و اعرض عنه العلمآء کذلک قضی الامر و کنت من السامعین ثم انظر اذ اتی المسیح افتی علی قتله اعلم علمآء العصر و آمن به من اصطاد الحوت کذلک ینبئک من ارسله الله بامره المبرم المتین ان العالم من عرف المعلوم و فاز بانوار الوجه و کان من المقبلین لا تکن من الذین قالوا الله ربنا فلما ارسل مطلع امره بالبرهان کفروا بالرحمن و اجتمعوا علی قتله کذلک ینصحک قلم الامر بعد اذ جعله الله غنیا عن العالمین انا نذکرک لوجه الله و نلقی علیک ما یثبت به ذکرک فی الواح ربک العزیز الحمید دع العلوم و شیء وناتها ثم تمسک باسم القیوم الذی اشرق من هذا الافق المنیر تالله قد کنت راقدا هزتنی نفحات الوحی و کنت صامتا انطقنی ربک المقتدر القدیر لولا امره ما اظهرت نفسی قد احاطت مشیته مشیتی و اقامنی علی امر به ورد علی سهام المشرکین اقرء ما نزلناه للملوک لتوقن بان المملوک ینطق بما امر من لدن علیم خبیر و تشهد بانه ما منعه البلآء عن ذکر مالک الاسمآء فی السجن دعا الکل الی الله و ما خوفته سطوة الظالمین استمع ما ینادیک به مطلع الآیات من لدن عزیز حکیم قم علی الامر بحول الله و قوته منقطعا عن الذین اعترضوا علی الله بعد اذ اتی بهذا النبأ العظیم قل یا معشر العلمآء خذوا اعنة الاقلام قد ینطق القلم الاعلی بین الارض و السمآء ثم اصمتوا لتسمعوا ما ینادی به لسان الکبریآء من هذا المنظر الکریم قل خافوا الله و لا تدحضوا الحق بما عندکم اتبعوا من شهدت له الاشیآء و لا تکونن من المریبین لا ینفعکم الیوم ما عندکم بل ما عند الله لو کنتم من المتفرسین قل یا ملأ الفرقان قد اتی الموعود الذی وعدتم به فی الکتاب اتقوا الله و لا تتبعوا کل مشرک اثیم انه ظهر علی شأن لا ینکره الا من غشته احجاب الاوهام و کان من المدحضین قل قد ظهرت الکلمة التی بها فرت نقبآئکم و علمآئکم هذا ما خبرناکم به من قبل انه لهو العزیز العلیم ان العالم من شهد للمعلوم و الذی اعرض لا یصدق علیه اسم العالم لو یأتی بعلوم الاولین و العارف من عرف المعروف و الفاضل من اقبل الی هذا الفضل الذی ظهر بامر بدیع قل یا قوم اشربوا الرحیق المختوم الذی فککنا ختمه بایدی الاقتدار انه لهو القوی القدیر کذلک نصحناکم لعلکم تدعون الهوی و تتوجهون الی الهدی و تکونن من الموقنین

بلسان پارسی بشنوید که شاید نفحات قمیص رحمانیه را که الیوم ساطعست بیابید و بکوی دوست یگانه بشتابید تفکر فرمائید که سبب چه بوده که در ازمنه ظهور مظاهر رحمن اهل امکان دوری میجستند و بر اعراض و اعتراض قیام مینمودند اگر ناس در این فقره که از قلم امر جاری شده تفکر نمایند جمیع بشریعه باقیه الهیه بشتابند و شهادت دهند بر آنچه او شهادت داده و لکن حجبات اوهام انامرا در ایام ظهور مظاهر احدیه و مطالع عز صمدانیه منع نموده و مینماید چه که در آن ایام حق بآنچه خود اراده فرموده ظاهر میشود نه باراده ناس چنآنچه فرموده: افکلما جآئکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم؟ ففریقا کذبتم و فریقا تقتلون البته اگر باوهام ناس در ازمنه خالیه و اعصار ماضیه ظاهر میشدند احدی آن نفوس مقدسه را انکار نمینمود مع آنکه کل در لیالی و ایام بذکر حق مشغول بودند و در معابد بعبادت قائم مع ذلک از مطالع آیات ربانیه و مظاهر بینات رحمانیه بی نصیب بودند چنآنچه در کتب مسطور است و آن جناب بر بعضی مطلعند مثلا در ظهور مسیح جمیع علمای عصر مع آنکه منتظر ظهور بودند اعراض نمودند و حنان که اعلم علمای عصر بود و همچنین قیافا که اقضی القضاة بود حکم بر کفر نمودند و فتوای قتل دادند و همچنین در ظهور رسول روح ما سویه فداه علمای مکه و مدینه در سنین اولیه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسیکه ابدا اهل علم نبودند بایمان فائز شدند قدری تفکر فرمائید بلال حبشی که کلمه ای از علم نخوانده بود بسمآء ایمان و ایقان ارتقا نمود و عبد الله ابی که از علما بود بنفاق برخاست راعی غنم بنفحات آیات بمقر دوست پی برد و بمالک امم پیوست و صاحبان علوم و حکم ممنوع و محروم اینست که میفرماید حتی یصیر اعلیکم اسفلکم و اسفلکم اعلیکم و مضمون این فقره در اکثر کتب الهیه و بیانات انبیا و اصفیا بوده براستی میگویم امر بشأنی عظیم است که پدر از پسر و پسر از پدر فرار مینماید در حضرت نوح و کنعان مشاهده کنید انشآء الله باید در این ایام روحانی از نسایم سبحانی و فیوضات ربیع رحمانی محروم نمانید باسم معلوم منقطعا عن العلوم برخیزید و ندا فرمائید قسم بآفتاب افق امر در آن حین فرات علوم الهیه را از قلب جاری مشاهده نمائید و انوار حکمت ربانیه را بی پرده بیابید اگر حلاوت بیان رحمن را بیابی از جان بگذری و در سبیل دوست انفاق نمائی این بسی واضحست که این عبد خیالی نداشته و ندارد چه که امرش از شیء ونات ظاهره خارجست چنآنچه در سجن اعظم غریب و مظلوم افتاده و از دست اعدآء خلاصی نیافته و نخواهد یافت لذا آنچه میگوید لوجه الله بوده که شاید ناس از حجبات نفس و هوی پاک شوند و بعرفان حق که اعلی المقام است فائز گردند لا یضرنی اعراضهم و لا ینفعنی اقبالهم انما ندعوهم لوجه الله انه لغنی عن العالمین انشاء الله باید از نار محبت ربانی که عین نور است در این ظهور عز صمدانی بشأنی مشتعل شوی که جمیع آفرینش از حرارت آن بحرکت و اهتزاز آیند و بحق توجه کنند انما البهآء علی من فاز بانوار الهدی و اعترف الیوم بالله الفرد الواحد العلیم الحکیم

قل سبحانک یا فاطر السمآء و مالک الاسمآء اسئلک بظهورات آیاتک و خفیات الطافک ان تجعلنی من الذین اقبلوا الیک و اعرضوا عما سویک و اعترفوا بفردانیتک و اقروا بوحدانیتک و طاروا فی هوآء قربک الی ان جعلوا اسرآء فی دیارک و اذلآء بین بریتک ای رب قد تمسکت بحبل مواهبک و تشبثت بذیل عطآئک اسئلک ان لا تطردنی عن بابک الذی فتحته علی من فی ارضک و سمآئک ثم ارزقنی یا الهی ما قدرته لاصفیائک و کتبته لاحبآئک ثم ایدنی علی خدمتک علی شأن لا یمنعنی اعراض المعرضین عن ادآء حقک و لا سطوة الظالمین عن تبلیغ امرک هل تمنعنی یا الهی عن قربک بعد اذ نادیتنی الیک و هل تطردنی عن مطلع آیاتک بعد اذ دعوتنی الی افق فضلک؟ ای رب هذا عطشان اراد فرات مکرمتک و جاهل استقرب الی بحر علمک علمنی یا الهی من علمک المکنون الذی به احییت ما کان و ما یکون ثم اجعلنی طآئفا حول رضآئک و خاضعا لامرک و خاشعا لاحبآئک الذین قصدوا لقآئک و فازوا بانوار وجهک و دخلوا المدینة التی فیها فاحت نفحات وحیک وسطعت فوحات الهامک انک انت المقتدر علی ما تشآء اشهد انک انت المهیمن علی من فی الارض و السمآء و المقتدر علی الاشیآء لا اله الا انت المتعالی المقتدر المهیمن القیوم